

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

کاد

ضمیمه کار شماره ۱۷

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

دهها هزار نفر خاطره شهدای فدائی خلق را گرامی داشتند



گوشه‌ای از اجتماع پرشکوهرامی داشت شهدای فدائی خلق، در روز جمعه هشتم تیرماه در دانشگاه تهران کسسه مبارزاتی امان و خوسن یزندگان راستین خلق را ارج نهاد.

قدرت شوراهای دهقانی فقط در اتحاد زحمتکشان روستاست

کشاورزان محروم و زحمتکش همیشه در طول زندگی سرسرخ خود همیشه تحت شدیدترین استعمار و حشانه مناسبات ارباب رعیتی قرار داشته‌اند. فئودالها و زمینداران بزرگ و روسای عشایر با پشتیبانی همه حاکمان دولتی مرکزی هیچگاه از هیچ تحاوری در حوضی دهقانان سی چیز فروگذار نکردند. و سه این ترتیب کشاورزان محروم قدرتی را بر تروپالان از قدرت اربابان و زمینداران نمی شناختند و هرگاه خانشان به لیب می رسید و در مقابل قدرت آنان فرار می گرفتند، توسط عوامل و نوکران ارباب و با توسط ارباب سرکوب رژیم (ارمنش، زاندار می و ساواک) به شدیدترین وحشی سرکوب می شدند. بارها و بارها روستائیان شاهد بوده‌اند که زمینداران با عوامل و نوکران آنان دستور حبس و شکنجه دهقانان را داده‌اند و با مخفیانه کمر به قتل زحمتکشان بسته‌اند. البته در این رابطه تحفیر و توهین سنت به روستائیان عملی و عادی و طبیعی شده بود. اما روابط ارباب و رعیتی یعنی مناسبات فئودالی سدی در راه توسعه و بهبود هر چه بیشتر امیربالیسم و سرمایه داران و استبداد داخلی شان به شمار می رفت. ارمنش و برای ایجاد نیروی کار بیشتر در جهت صنایع و اینه امیربالیستی و کسرس سن ارباب و زمینداران مصرف روستاها و صنایع و کسری ارباب و زمینداران روستائیان در روستاها به نوصوبانگه امیربالیسم امریکا طرح اصلاحات ارضی فرمایشی در سطح روستاها اجرا آمد. البته می دانیم حاصل آن جبری حرعارت همه حاکمان و روسای زحمتکش و بی خامی و سرگردانی اوسود. در ابتدا کشاورزان با آگاه آمدن بادی به این دسته امیربالیستی ستم بود و دولتی با گذر چند سال به دههای غارتگرانه امیربالیسم امریکا و سرمایه داران و زمینداران و استبداد آن برای روستائیان زحمتکش روستاها و صنایع و زمینهای روستائیان و تحاوری است و مال آنان از راههای گوناگون باعث شد که پس از تمام حوض خلق، کشاورزان محروم پس به مبارزه بر علیه و روستائیان و زمینداران بزرگ که طی چند سال با ارباب و شهید روستائیان آنان را از جنگشان در آورده بودند و آنان را مورد بهره‌کشی های بی رحمانه قرار داده بودند بپردازند. آنان دریافتند که دیگر می ناست بر سر سوت خوش حاکم است و حقوق با اعمال شده شان را احسب و دیدان اراضین بازسانند.

فراخوانده‌شده از پیش، سازمان بافکنی و تشکل طیف کارگزاران سیروزی و رهائی خلق داشت. در این مراسم پرشکوهرامی، حادوددهای شهدای فدائی با پیامهای پرشور انقلابی خود، یاد فرزندانی راستین خلق را گرامی دانستند و وفاداری و ایمان فولادینشان سوگند یاد کردند که با حوض آرمانهای زندگی سازمان شهدای فدائی لحظه‌ای صف زحمتکشان فدائی را ترک نکنند و تا آخرین قطره خون خود با امیربالیسم و ارتجاع مبارزه نمایند. در پایان این مراسم، به نشانه پیوند جهانی کارگران و زحمتکشان، سرود "انترناسیونال" پخته شد و سخن حقیقت را که کارگران و زحمتکشان در معاش جهانی با امیربالیسم و ارتجاع مبارزه می نمایند نشان داد.

بوده تا کید نمودند. سازمان چریکهای فدائی خلق طی پیامی خطاب به "خلق قهرمان ایران" شهادت و تلاش انقلابی رفقای همرز م خوش را گرامی داشت و آن را مظهر اراده انقلابی و تلاش خستگی ناپذیر حلقه‌های ستم‌دیده میهنان دانست. در این پیام آمده است: ... ما امروز با در فقای را گرامی می داریم که فدائی بودند و فدائی را در راه آرمان طیف کارگر جان باختند. سازمان ادامه دهندگان راه شهدای هشت تیر، ضمن اعلام باره از مواضع سیاسی و ایدئولوژیک خویش در جهت تحقق اهداف کنونی جنبش و مبارکست - لنینیستهار به تلاش بیشتر در راه ایجاد وحدت درونی و پیوند سیاسی - تشکیلاتی، با طبقه کارگر

هر چه بیشتر به بسیاری مبارزاتی خود افزودند و آنچه سازنده خواهد بود اگر تمامی تحریکات و آگاهیه‌های گذشته و حال خود را با درک بیشتر سیاسی همراه سازند تا از این طریق بتوانند هر چه بیشتر نیروی عوامل و نوکران زمینداران و سرمایه داران غلبه کنند. شوراهای دهقانی که بعنوان یک تشکلات حافظ منافع زحمتکش ترین افراد روستا به حساب می آید، می بایست از افراد آگاه و با تجربه و دلسوز و همچنین مورد اعتماد و اطمین اکثریت اهالی روستا تشکیل شود و انتخاب شدگان در شوراهای می ناست از زحمتکش ترین و محرومترین افراد که در عین حال دارای آگاهی و تجربه نیز هستند باشند. اعضای شورا باید از کسانی باشند که همیشه به دفاع از ستم‌دیده‌گان و محرومین برخاسته‌اند. دقت در انتخاب این قبیل افراد بسیار مهم است. باید با هوشتاری زیاد از نفوذ عوامل و نوکران زمینداران و عناصر ضد مردمی و پاره‌ای از حقوق بگیران سرمایه داران که با نفیص حیره خود را در صوف زحمتکشان حامی رسد، جلوگیری کرد. مسئولیت شوراهای دهقانی بسیار حساس و سنگین است. از عمده ترین فعالیتهای اولیه شوراهای دهقانی، مصادرت نامی زمینهای زمینداران بزرگ و متجاوزین نامی است که در سایه رژیم سابق از هیچ تحاوری در حق دهقانان سی چیز کوتاهی نکرده‌اند. امروز اگر در یک روستا شاهد اسخاصی هستیم که صاحب هزاران هکتار زمین هستند، باید صادقانه با اعمال سده و زمینهای عصب شده کشاورزان سی چیز ستم‌دیده‌گان و انواع حمله و با ارتکاب قتل و خونریزیهای متعدد از جنگ دهقانان در آورده‌اند و با بهره‌کشی های بی حساب و وفات فرسائی که کشاورزان زحمتکش بر بار آن کمرشان خم شده است روز بروز نیروی بیشتری به حب رده‌اند. پس مصادره زمین این قبیل افراد حق مسلم و فائوسی کشاورزان است که بیشتر از همه مورد ظلم و تجاوز قرار گرفته‌اند. البته قانونی که دیگر به بدست اربابان بلکه به وسیله زحمتکشان و بسیاری خود آنان سبب و تنظیم شده باشد و از منافع محرومین دفاع کند. از جمله وظایف مهم دیگری که شورا با قدرت و وعود خود می تواند بر عهده کند در دفع اختلاف روستائیان است که ریشه گذشته‌های دور داشته و با مناسباتی های همیشگی زمینداران و اربابان به آن دامن رده شده است. در حل مشکلات ارضی تقسیم منطقی آن بین محرومترین افراد روستا و بایبهره برداری جمعی از آن به وسیله کشاورزان سی چیز از نکات حساس و در عین حال ضروری است که کم توجهی به آن می تواند در پیشبرد هدفهای شورا اشکالات زیادی را باعث شود. گساره اختلاف میان روستائیان بر سر مناسباتی است نظیر استفاده اروسایل کشاورزی مصادره شده از زمینداران و بایبهره برداری از آب در روستا، که اگر به شکل درستی این مسائل حل نشود در درهای زیادی برای شورا و با اهالی روستا ایجاد خواهد کرد. از آنجائیکه قدرت شورا ناشی از استحکام صفوف یکپارچه اهالی روستاست، بدیهی است چنانچه خللی بدو حدت زحمتکشان و کشاورزان روستا وارد شود، تفرقه و بقیه در صفحه

توضیح درباره کار شماره ۱۷
بازپوش از خوانندگان:
در کار شماره ۱۷، تیترو مقاله صفحه ۱۱ - روی بونسم و وسوسال امیربالیسم اشتباه‌های یکدیگر چاپ شده است.

**ما حمله عناصر مرتجع را به گردهمایی
جبهه دمکراتیک ملی محکوم می‌کنیم**

روز جمعه اول تیرماه، جبهه دمکراتیک ملی ایران به منظور اعلام نظر درباره قانون اساسی و تشکیل مجلس موسان، در زمین چین دانشگاه تهران گردهمایی برپا کرده بود. این گردهمایی با حمله عناصر ارتجاعی و ناآگاه به شرکت کنندگان به هم خورد. ماهیت همه کسانی که تحت پوشش مذهب و شعارهای مذهبی دست به چنین حملات بی شرمه‌ای می‌زنند، برهنگان آشکار است. مسئله دیگر این است که مقامات مسئول دولتی کمیته‌ها، پاسداران، شهرتانی با علم و اطلاع از عمل این عناصر کوچکترین اقدامی برای جلوگیری از حرکات ایشان انجام ندادند. دهنده دست این عناصر را کاملاً باز گذاشته‌اند. طرف ماههای اخیر مردم میهن ما بارها تنگروان زحمتکشان را از این اعمال ضد دمکراتیک گروههای فشار که مورد حمایت مقامات مسئول هستند، ابراز داشته‌اند و محازات مسببین این واقعه را خواستار شده‌اند. ما این حملات و اقدامات را که هر روز در سراسر کشور بدست عناصر ارتجاعی و تحریک شده و ناآگاه انجام می‌گیرد تحت هر پوششی و هر مستسکی، شدیداً محکوم ساخته و جنبش اعمالی را تشنه نفع آبادی امیربالیسم و سرمایه داری وابسته می‌دانیم

رفقا و هموطنان مبارز
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به کمک مالی نیاز دارد
کمک هایتان را می‌توانید به حساب جاری شماره ۳۲۰۹۸
بانک ملی شعبه دانشگاه واریز نموده و یا به کمیته مالی
ستاد مرکزی تهران، تحویل دهید.
امور مالی سازمان

مستحکم باد وحدت کارگران، دهقانان و زحمتکشان

کارگران شرکت فریم

خواستار برکناری

مدیر عامل توطئه گر شدند

مازندران - شرکت صنایع فریم در فرسنگد، یکی از دهکده‌های منطقه "تفافت" در ۲۴ کیلومتری پل سفید مازندران واقع شده است. در این کارخانه حدود ۵۵۰ نفر کار می‌کنند. این کارخانه وابسته به دولت است اما کارگران آن رسمی نیستند. کارگران در هنگام قیام به فکر بدست آوردن حقوق جعه خود افتادند و تقاضای حق مسکن کردند که "عابدی" یکی از اعضای هیئت مدیره با آنان مخالفت کرد. ولی کارگران با یکبار چکی و اتحاد توانستند توطئه‌ای را عامل صدکارگر را خنثی کنند و موفق به دریافت حق مسکن شوند. بعد از این جریان کارگران خواستار اخراج عابدی شدند ولی این خواست آنها عملی نشد و عابدی با سر می‌تمام با صدور بخشنامه‌ای حق مسکن ماهی کارگران را که مبلغ ۵۰۰ تومان بود به ۲۴۰ تومان تقلیل داد و به همین علت کارگران با صدور قطعنامه زیر دست به

کارگران ایران دو چرخ

عامل کارفرما را از شورا اخراج کردند

قزوین - کارگران کارخانه ایران دو چرخ واقع در قزوین با مطرح کردن شعار "دست عوامل کارفرما را از شوراها کوتاه کن" تصمیم به تصفیه شورا و اخراج یکی از اعضا، شورا که ماهیت صدکارگری دارد، گرفتند. این شخص با عوام فریبی موفق شده بود توجیه کارگران را جلب کرده و عنوان معاندانه در دوسوم شورای کارخانه انتخاب شود. او که نمایندگی کارگران را به عهده داشت در عمل با توسل به حقه‌های کارفرما علیه منافع کارگران عمل کرده و هنگامی که برای تقسیم خانه‌های مسکونی حالی بین کارگران جلسه‌ای تشکیل شد بود به تقسیم این خانه‌ها اعتراض کرد. سایر اعضا، شورا نیز که موافق طرفداری و سایر منافع کارفرما شده بودند خواستار

اخراج او از کارخانه می‌شوند که این خواست مورد قبول کارگران نیز قرار می‌گیرد. ۱۲۰۰ نفر کارگر و کارمند کارخانه ایران دو چرخ یکی از کارخانه‌های بزرگ شهر صنعتی قزوین که موتورسیکلت با ماها و موتور گازی تولید می‌کند پس از قیام مسلحانه بهمن اولین شورای کارگری را به وجود آوردند که به دلیل عدم قاطعیت منحل شد و حال با اخراج یک عنصر طرفدار کارفرما از دوسوم شورا، به دفاع از منافعشان در مقابل کارفرما ادامه می‌دهند. کلیه سهام کارخانه ایران دو چرخ متعلق به دوسرمایه دار وابسته به رژیم گذشته به نامهای "سود آور" و "قدیمی" است.

خواسته‌های

کارگران ایران سرعت

تهران - دوسوم نخس کارگران کارمندان شرکت ایران سرعت از تاریخ ۲۳ خرداد ۵۸ در محل دفتر شرکت آغاز شد. کارکنان شرکت مزبور برای مزیای حقوقی از جمله حق مسکن، حواریار، بیمه، اضافه کاری، نسبت در محل کارگاه واقع در جاده ساوه با دستگیری کاشانی مدیر عامل شرکت به عنوان اعتراض و رجوع به وزارت کارنخواستند خواسته‌های خویش را بدست آورند. بدین منظور کارگران جمعا به دفتر شرکت آمدند تا بتوانند باگیری مداوم تر در تهران خواسته‌های خود را بدست آورند. شرکت ایران سرعت هم اکنون تعداد معتناسبی ماشین در اختیار دارد و عمل کارگران، صافکاری-نقاشی و بنچر-گری می‌باشد که غالبا سه تا چهار سال سابقه خدمت داشته و در بدترین شرایط محیط کار به سر می‌برند. با مراجعات مکرر کارگران سه وزارت کار و کسبه، روز شنبه (۵۸/۴/۲) نماینده کارگران به دادگاه انقلاب اسلامی رفتند تا در مورد خواسته‌های مزبور مذاکراتی به عمل آورند.

اعتراض به عوارض شهرداری

قم - ۵۰ هزار رانندگان کبیری‌های قم که از ۱۸۰ کیلومتری این شهرش و ماهه می‌آورند به تصمیم شهرداری مبنی بر دریافت عوارض اعتراض کردند. این رانندگان ضمن تماس با مسئولان شهرداری گفتند مادر زمان رژیم گذشته عوارض نمی‌دادند و تعجب آوراست که پس از انقلاب می‌خواهند از ما عوارض بگیرند. یکی از رانندگان گفت: چهار ماهه مسلح برای گرفتن عوارض مانع کار ما شدند و وقتی ما مقاومت کردیم شروع به تراندازی هوایی کردند.

تحصن کارگران شرکت

اس-بی-باتنیول

روز شنبه ۲ تیر ۸۰ هزار کارگر شرکت اس-بی-باتنیول مارفاکتو پیمانکار شرکت نفت - برای رسیدن به خواسته‌های صنفی خود در دفتر مرکزی شرکت در تهران متحصن شدند. این عده خواستار بازگشت تمام کارگران به سرکار و دریافت کلیه حقوق هائومزایای عمق - افتاده خود هستند. آنها اعلام کردند که رسیدن به خواسته‌هایشان منحصرا ادامه خواهند داد.

یکی از نمایندگان کارگران متحصن در این باره گفت: در پی متوقف شدن فعالیت‌های شرکت، کارگران نیز بدون دریافت حق و حقوق قانونی آرسوی کارفرما اخراج شدند. وی اضافه کرد:

ما اکنون سه ماه است که به دنبال خواسته‌های خود هستیم و تاکنون حسد جلسه با نمایندگان کارفرما در اداره کار داشته‌ایم که نتیجه‌ای نداشته است. ما تقاضا کردیم این پرونده راه‌آهن‌دانی انقلاب ارجاع کنند، اما تا این لحظه به ما جوابی داده نشده است.

نماینده کارگران افزود: "کارفرمای این شرکت فرانسوی است و با اینکه کمته‌ی شماره ۳ گددر جریان کار ما قرار دارد، خواسته‌های ما را به حق و طبق قانون کار دانسته‌است، ولی کارفرما باز آورده کردن خواسته‌های ما شانه خالی می‌کند و می‌گوید قانون کار شما به درد من نمی‌خورد. از طرفی عوامل فرانسوی که در شرکت زیاد هستند هر کدام به نوعی در کار ما مداخله و کار شکنی می‌کنند."

خواسته‌های

کارگران ریسندگی

سراسیاب فرسنگی

کارگران کارخانه ریسندگی و بافندگی سراسیاب فرسنگی خواسته‌های خود را به شرح اعلام کرده‌اند:

- ۸ ساعت کار در روز
- ۴۰ ساعت کار در هفته
- افزایش دستمزد
- ایجاد شرکت تعاونی و تلف-سرویس
- ترکنار شدن کارفرما

کارفرما تاکنون به دو مورد از خواسته‌های دیگر کارگران یعنی پرداخت سه ماهه حقوق عقب افتاده و عیدی سال گذشته عمل کرده تا عدم رسیدگی به خواسته‌های قانونی کارگران را موجه سازد. کارفرما در مورد تعیین ۸ ساعت کار روزانه و تعطیل کار در روزهای تعطیلی رای گیری به عمل آورد و در حالی بود که وی می‌خواهد ای کارگران را آگاه راه ده ساعت کار در روز و در روز تعطیل در ماه راضی کرده بود. کارگران ضمن اعتراض به این شیوه غیر انسانی خواهان احضار همه خواسته‌های خود هستند.

تشکیل شورای کوره‌پزخانه

در مهاباد

مهاباد - کارگران کوره سرحاسه پاشائی شورای خود را انتخاب کردند و به جای نماینده فرمایشی سابق به نام "رحمان کاکه رشی" که عامل کارفرما است، مسئولیت امور کارگران را عهده شورا گذاشتند. کارگران در سراسه ای خواهان افزایش حقوق و فراهم آوردن امکانات رفاهی و بهداشتی شدند.

تهران - کارگران کارخانه لوجیس

که بیشتر زن هستند ارفیل ارقام بهمین تاکنون به سرکار فرستاده شدند. کارگران تاکنون چند جلسه با نماینده وزارت کار و کارفرما داشته‌اند ولی خواسته‌های کارگران مورد توجه قرار نگرفته است. کارگران خواهان بازگشت نه کار و پرداخت حقوق ماههای گذشته خود هستند.

به بهانه بیکاری حقوق کارگران را کم کردند

اسنمار و حق کی ارسنه در ماسی و حوادث ناشی از کار محروم هستند. حندی سن با کارفرما در مورد کم کردن ساعت کار و کفرس اضافه حقوق یا نوحه سه هرسه سکن زندگی مذاکره کردم ولی او با اشاره به تعداد کارگران سکار گفت که حقوقشان باید به ۸۵۰ تومان تقلیل یابد.

کارگران مزبور در میان قطعنامه به نفس بزرگ کارگران صنعت عسدر انقلاب اشاره کرده اند و پسته اند سا دگر اس مطلب کد مرمه کار کارگران همحسان به حسب حیا و لنگران سرار بر می شود مسا حواسدهای این مرحله خود را اعلام می کنند.

- ۱- نفس حداقل حقوق به میزان دو هزار تومان در ماه.
- ۲- ساعت کار در روز.
- ۳- پرداخت اضافه کار.
- ۴- گرور تعطیل در هفته و همحس مرخصی سالانه.
- ۵- صدور دسترسنه در ماسی و حوادث و نامس غذای گرم هنگام کار.

بوکان - کارگران قسم بخش مواد عتی حایگاه کمربندی و شرکت نفت بلوار در بوکان اعلام کردند که اگر به خواسته هاسان رسیدگی شود دست به اعما نخواهند زد.

در قطعنامه‌ای که کارگران صمصحس صادر کرده اند آمده است: "س از انقلاب سکوهمد سردم ایران که سگنی آن سردوس کارگران و زحمکسان بود ما کارگران انتظار داریم که وضعشان بهتر شود و فوایس انسانی ندوس گردد و اسنمار و رور کوئی بحاب سداکنم ولی اکنون شاهد هستیم که به سهار میران سپرده‌کی و اسنمار و طلسم کم سده است بلکه روره روز به آن اضافه می‌شود. برای نمونه ما کارگران شرکت نفت حایگاه کمربندی هر کدام با نشن معر عائلسه با حقوق ماهانه حدود هزار تومان بطور مداوم کار می‌کنیم و فقط سار چهارشنبه روز می‌نوامس ده ساعت به کارهای حاواده - کمان برسیم. و اگر مرید اسمان مرخص شود ممکن است سراسره روز سواسم آوراسه دکنر سان دهیم. با وجود این همه

نماینده کارگران افزود: "کارفرمای این شرکت فرانسوی است و با اینکه کمته‌ی شماره ۳ گددر جریان کار ما قرار دارد، خواسته‌های ما را به حق و طبق قانون کار دانسته‌است، ولی کارفرما باز آورده کردن خواسته‌های ما شانه خالی می‌کند و می‌گوید قانون کار شما به درد من نمی‌خورد. از طرفی عوامل فرانسوی که در شرکت زیاد هستند هر کدام به نوعی در کار ما مداخله و کار شکنی می‌کنند."

ناکی رانان پیشرو تهران

اتحادیه را نباید محدود به مسائل صنفی کرد

تهران - تاکسیرانان پیشرو تهران صن صدور اعلامه‌ای انتخابات اتحادیه فلابی تاکسیرانان را خرم کردند و اعلام داشتند از اسان همکاران نماز روز صدفی خود نمایندگانی را برای هیئت مدیره انتخاب خواهند کرد.

متن اعلامه بدین شرح است: "سزادان عزیز، اخیرا شرکت به اصطلاح تعاونی که همه ما به خوشی ماهشتن را می‌سایم رنگ عوض کرده و از درد بگری وارد شده است و اعلام انتخابات هیئت مدیره را می‌ماید و می‌خواهد عناصری را در راس این شرکت منحل فرار دهد که به هیچ وجه به از درد ما آگاه هستند و ما به هیئت صد اعلاسیان احاره جس همدردی را می‌دهند.

ما ضمن تحرم این انتخابات بمعهدیم که نمایانند بهی واقعی مشکل از رانندگان زحمکسان ناکی که مشکلات و محرومیهای ما را با توسل و گوشت خود لمس می‌کنند می‌نماید مورد اعتماد

- ۱- نمایندگانی که انتخاب می‌شود باید رسده بود و ساعده همکاری با رسم گذشته را داشته‌اند.
- ۲- آنها باید افراد نمازری بوده و از صداقت و مدارا برای حل مشکلات رانندگان برخوردار باشند.
- ۳- اتحادیه را باید در چهار محب مسائل صنفی محدود کم بلکه باید سانه به حقوق اجتماعی با عمل بسند و حوس در صد کسب حسب احتماعی و ساسی برآیم.

۱۲ هزار پرونده کارگران را از

خانه کارگرا صفهان بیرون آوردند

کارگران می‌دانند. در برابر این اعتراض به آنها گفته می‌شود که پرونده‌ها سه اسناداری با احتما حرت جمهوری اسلامی برده می‌شود و هر کس که کار دارد باید به اس دومحل مراجعه کند. کارگران معترض هدف از اس اقدام را ساسائی کارگران مارر و دحالب غیر محار در امور کارگران می‌دانند. در اس مان یک هیئت نمایندگان کارگران که به سهران آمده بود به اصعبهان بازگشت و اعلام کردی رودی سداکی کارگران سکار شکل خواهد شد.

سراسن خبر رسده، روز جمعه ۲۵ خرداد چند تن از مسئولان اسناداری اصعبهان همراه با یکی از روحانیون به خانه کارگرا صفهان می‌روند و به اتفاق ۱۰ نفر پاسدار کله بیرونده‌های کارگران را که بالغ بر ۱۲۰۰۰ پرونده می‌شده همراه می‌برند. گروهی از کارگران به اس عمل عراضولی اعتراض می‌کنند و داخل شدن به خانه کارگر را بدون اجازه و موافقت کارگران و باحتی اطلاع فلبی مسئولان خانه کارگر تجاوز به حریم آزادی و حقوق

اجتماع کارگران شرکت سد سازی

در وزارت کار

تهران - صدتن از کارگران آب سد شرکت سد سازی ساسر در تاریخ ۳ خرداد به نمایندگی از کله کارکنان این شرکت کطی ماههای بعد از انقلاب سکار شده‌اند. با مراجعه به وزارت کار خواستار بازگشت به کار و پرداخت مزیای با رشتن سندی شدند. سرمایه‌شکرت مزبور فرانسوی است و تاکنون عهده دار ساختمان سدهای منحل - لتنان ستهپاز (واقع در صفهان) بوده و هم اکنون پرونده رسا تا هواقع در مسجد سلیمان را در دست دارد.

باجیری همراه بوده موجب سده ساعده آنها که تا ۲۲ سال خدمت سزمی رسد باحال شود. وزارت کار بعد از گذشت یک هفته سانه به مراجعات مکرر کارگران واقامت نمایندده شرکت در سهران هیچ اقدامی در جهت بازپرداخت مزیای، حق مسکن و حق حواریار کارگران، بازگشت کارگران به کار و بازپرداخت کامل حقوق با رشتن سندی (واقع در صفهان) است. کارگران اعلامه داشته‌اند تا رسیدن به خواسته هاسان هر روز در وزارت کار اجتماع خواهند کرد.

فعالیت خود را به سندی محدود نکنیم

پیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

به مناسبت سومین سالگرد

شهادت هشت تیر



رفیق کبیر "حمید اشرف" از بنیانگذاران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

اختیار آنها، مسلمانان قطع نفوذ چپاولگران و بقایای فئودالیهای مرتجع و احیاء مجدد کشاورزی مآخوفا را خواهد انجامید و در عین حال یکی از ریشه‌های مهم وابستگی به امپریالیسم در زمینه نیاز به مواد کشاورزی را مرتفع خواهد نمود.

شوراهای انقلابی کارگران، دهقانان و زحمتکشان شهری، باید عنوان ارگان‌های اصلی اعمال حاکمیت خلق، در تمام زمینه‌ها به رسمیت شناخته شده و آنها باید حق شرکت در تمام ارگان‌های حکومتی را داشته باشند. تنها در چنین صورتی است که نمایندگانشان واقعی مردم به صورتی دموکراتیک انتخاب شده و کارگران و دهقانان و زحمتکشان نقش واقعی خود را در اداره امور باز خواهند یافت.

تأمین و تضمین حقوق خلقهای ستمدیده که سالیان دراز در زیر ستم دوگانه طبقاتی و ملی قرار داشته‌اند از اساسی‌ترین خواسته‌های آنهاست. بدون تأمین حقوق ملی آنها، وحدت واقعی خلقهای ایران تحقق نخواهد یافت و عدم پاسخ‌گویی به این تفرقه‌گراهی راه‌چشمی بیشتر ترویج خواهد نمود و در گمراهی‌های منطقه‌ای را بین خلقها دامن خواهد زد.

تمام قراردادهای اسارت با اقتصاد - نظامی، سیاسی و فرهنگی با کشورهای امپریالیستی باید فوراً لغو شوند. هیچگونه قراردادی که منافع خلقهای ایران و در صدد با منافع سایر خلقهای منطقه است، نباید منعقد شود و هرگونه مداخله دولت در امور داخلی کشورهای دیگر، به ویژه کشورهای مجاور از نظر مصلحتی یا مرتجعین و امپریالیستها تلقی می‌شود. ضمن اینکه باید از مبارزه‌های بخش و ضد امپریالیستی خلقهای کشورهای تحت سلطه به ویژه کشورهای منطقه و در راستای فلسطین حمایت و پشتیبانی شود. تنها با تأمین حقوق دموکراتیک توده‌های ستمکش خلق و اتکا به آنهاست که می‌توان یک سیاست ضد امپریالیستی و ملی را قاطعانه پیش برد.

تضمین حقوق اقلیت‌های مذهبی، تضمین حق برابری زن و مرد، حق اشتغال، حق استفاده از حقوق در هنگام بیکاری، حق داشتن مسکن و استفاده رایگان از آموزش و بهداشت، حق اعتصاب، حق آزادی بیان و قلم و حق ایجاد سندیکا و اتحادیه و عضویت در جمعیت‌ها، احزاب و گروه‌ها و سازمانهای سیاسی و سایر حقوق دموکراتیک مردم تنها و تنها در شرایط نابودی سلطه امپریالیسم و وابستگی تأمین خواهد شد. بر سر تنها امپریالیسم و نیروهای وابسته بدان، تأمین حقوق واقعی توده‌ها را خلاف مصالح و منافع خود می‌باید و در جهت نابودی آن دست توطئه‌گری می‌زنند.

ما اعتقاد داریم، آنچه که امروز تحت عنوان قانون اساسی مورد بحث همه نیروهاست، در صورتی تأمین کننده منافع وسیع ترسمن توده‌های زحمتکش خواهد بود که مفاسد و جهت‌گیری‌های فاسق را در خود حفظ نماید و تحقق عملی آن را تضمین کند. اما امروز تأیید و تصویب چنین قوانینی، با چگونگی فراخواندن مجلس موسسان ارتباط نزدیک دارد. زیرا در این مجلس که اکثریت اعضای آن باید از نمایندگان کارگران، دهقانان و زحمتکشان شهری و از میان نمایندگان منتخب شوراهای انقلابی، برگزیده شده باشند، صلاحیت دارند بر اساس مضمون اصلی انقلاب دموکراتیک و ضد امپریالیستی ما، دستاوردهای قیام خلق را در تدوین قانون اساسی مورد نظر قرارداد و جهت‌گیری آن را که محور سلطه امپریالیسم و تأمین اساسی‌ترین حقوق توده‌های ستمکش خلق است سندیت بخشد و در عرصه جهانی از مبارزات آزادی خواهانه تمامی ستمدیدگان حمایت نمایند.

اما هرگاه مارکسیست - لنینیست‌ها می‌خواهند این شعارها را تئوریک به عمل درآیند، باید در جهت وحدت درونی خود و پیوند سیاسی - تشکیلاتی با طبقه کارگر و سازماندهی این طبقه در جنبی انقلابی و طراز نوین با تمام نیرو و بکوشند. زیرا بدون نیروی متشکل و سازمان یافته طبقه کارگر امر مبارزه ضد امپریالیستی و دموکراتیک پیش نخواهد رفت و جنبش انقلابی خلق، زیر رهبری سایر نیروها که در نهایت مطلوب سیاست‌های امپریالیستی می‌گردند، محو خواهد شد. ما بر این تجربه بزرگ تاریخی تأکید می‌کنیم و با استفاده از تمام شیوه‌های سازمانی و مبارزاتی در جهت ایجاد ستاد روزمندیه طبقه کارگر خواهیم کوشید.

"جاودان باد خاطره شهیدای به خون خفته خلق" سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ۱۳۵۸/۴/۸

اگر امروز عمیقاً درک کرده ایم که وظیفه اساسی پیشرو در شرایط فقدان حزب، کوشش در جهت آن یعنی کار تبلیغی و ترویجی و گسترش پیوند سیاسی تشکیلاتی با طبقه کارگر است، و سایر اشکال مبارزه باید در خدمت آن گرفته شود.

اگر امروز پذیرفته ایم که محور فعالیت‌های ما باید در آن جهت سمت داده شود، بدین علت است که باید قادر باشیم، همواره همیشه با هر نوع انحرافی در سازمان و در سطح جنبش به ستیز برخیزیم و قاطعانه با آن به جنگیم و از نایب دور افکنیم و بدینسان صفوف نیروهای پیشرو و طبقه کارگر را مستحکم تر سازیم.

کج اندیشی طرفداران تئوری به جهان و سوسیال امپریالیسم و تسلیم طلبی مزورانه و مابوسانه و بی‌بونیست‌های توده‌ای نه تنها هیچ باری از دوش جنبش بر نداشته بلکه خود به عنوان یکی از موانع رشد آن بوده‌اند. جنبش مسلحانه آنگاه که در شیوه‌های خود می‌نواخت، دل به کوردرباشی سهمگین می‌زد، کجا بودند آنروز آنان که با دادرز - گویی و نیشخند به کارنامه خونین سازمان چریکهای فدائی خلق می‌نگرند و فدائیان خلق نه تنها خون شهیدای خود را وسیله توجیه خطاهای گذشته نمی‌نمایند، بلکه با تکیه بر تجارب چندساله خویش صادقانه و شجاعانه در راه اعتلای جنبش انقلابی جنبش خواهند کوشید. در موقعیت کنونی بار بسیار سنگینی بر دوش جنبش قرار گرفته ما از طرفی باید در جهت ایجاد حزب طبقه کارگر تلاش نمائیم و از جانب دیگر باید بتوانیم در مبارزه سیاسی با حاکمیت موجود بر مواضع اصولی و انقلابی تکیه کنیم. زیرا آنچه امروز در عرصه جامعه شکل می‌گیرد، برای تمام نیروهای انقلابی و مبارز و کسانی که به حفظ و ادامه دستاوردهای قیام توده‌هایمان اندیشند، بسیار نگران کننده است و هرگاه خواسته باشیم از منافع کارگران و زحمتکشان بیگیرانه دفاع کنیم، باید هر چه بیشتر ماهیت محافظه کارانه این سیاست‌ها را برای تمامی مردم بازگو - نمائیم.

این سیاست‌های محافظه کارانه و ناپسندیده امروز خود را در چگونگی تدوین قانون اساسی و سایر سیاست‌هایی که تا بحال عملی شده‌اند به خوبی نشان می‌دهند.

حاکمیت سیاسی موجود از همان آغاز قیام، نسبت به توده‌های مسلح قیام کننده که با دکانهای رژیم منقور رافتح کردند، سیاستی دوگانه در پیش گرفت و به محض پیروزی قیام با تشکیل کمیته‌ها، تلاش نمود سلاح را از دست مردم خارج نماید. آنها با دادن شعارهایی که توده‌ها را نسبت به ارتش خوش بین می‌نمود، از میزان خشم و نفرت مردم نسبت به این ابزار ضد خلقی کاستند. سپس سعی نمودند با تصفیه ارتش از ابزارهای فرماندهان شناخته شده و منقور به بازسازی مجدد آن دست زده بر آن تکیه نمایند.

در حالیکه انقلاب باید در درجه اول به توده‌های مسلح قیام کننده تکیه نموده و جهت حفظ دستاوردهای خود، با درهم شکستن ارتش ضد خلقی، ارتش انقلابی و خلقی را از توده‌های شرکت کننده در قیام و نظامیان جزئی که به قیام پیوسته‌اند، بوجود آورد.

در سپاه‌های ارتش تمام انقلاب‌های پیروز منتهی نشاندند که تنها و تنها خلق سازمان یافته و مسلح می‌تواند انقلاب را تئوریک و عملی به پیش راند. کسانی که امروز سعی در حفظ ارتش به همان شیوه سابق می‌نمایند و عناصری چون فرید، فلاحتی، مدنی و رحیمی، را در ارتش ان می‌گمارند از پشت به انقلاب خنجر زده و آن راه شکست می‌کشند. آنها امروز می‌گویند حال که شاه سقوط نموده و ارتش ملی شده، دیگر چه نیازی به سلاحهای خود دارید؟ ما پاسخ می‌دهیم که سلاح در دست نیروهای انقلابی بزرگترین ضامن حفظ دستاوردهای انقلاب و مبارزه با توطئه‌های ارتجاع و امپریالیسم است و ما با موختن از تحارب تاریخ اعتقاد داریم تا هنگامی که ارتش انقلابی به وجود نیامده و امپریالیسم در تمام زمینه‌های اقتصادی - سیاسی، نظامی و فرهنگی - اخراج نشده، هیچگاه به ارتش که تنها تعدادی از فرماندهان مزدور آن تصفیه شده‌اند و اهداف، سیاستها، قوانین و آئین نامه‌های آن همچنان دست نخورده باقی مانده‌اند، اعتماد خواهیم کرد و مردم نباید در این مورد خیال خام به خود راه دهند. اخراج کامل امپریالیسم از نظر ما متضمن اجرای سیاستهای ذیل می‌باشد:

باید با مصادره و ملی سازی تمام سرمایه‌های وابسته، بانکها و اراضی، شرایط لازم جهت قطع نفوذ اقتصادی امپریالیسم و ایجاد صنایع بنیادی و مادر فراهم آید. از نظر ما یک سیاست ملی واقعی تنها به تغییر مدیریت صنایع و بانکها ختم نخواهد شد. بلکه این سیاست باید اداره این واحدهای تولیدی را به دست تولیدکنندگان اصلی جامعه یعنی کارگران و زحمتکشان بسیار دوشواری انقلابی آنها را در تمام زمینه‌ها به مثابه تسخیر و مصادره به رسمیت بشناسد.

آنچه امروز به نام ملی کردن بانکها و صنایع و اراضی به مورد اجرا گذاشته می‌شود، به هیچ وجه مورد تأیید توده‌های ستمدیده و آسودگان چیزی نیست و تغییر مدیریت صنایع و بانکها و ورشکسته نمی‌دانیم. از نظر ما ملی شدن بادولتی شدن متفاوت است. ما ملی شدن را همچون مصادره سرمایه‌های بزرگ چپاولگران با شرایط یاد شده به رسمیت نمی‌شناسیم.

دهقانان و زحمتکشان روستا بخش بزرگی از جمعیت میهن‌ساز را تشکیل می‌دهند که در نتیجه سیاستهای ضد خلقی رژیم سابق از هستی ساقط شده و کشاورزی ایران، به ورشکستگی کامل دچار آمده است. انجام یک اصلاحات ارضی دموکراتیک و انقلابی و مصادره واحدهای تولیدی بزرگ کشاورزی از دست زمینداران بزرگ و سپردن آنها به دست زحمتکشان، همراه با رسمیت شناختن شوراهای انقلابی دهقانان جهت اداره تمامی کارها در روستا و قرارداد دادن امکانات مالی و فنی کافی در

خلق قهرمان ایران امروز در اینجا گرد آمده‌ام تا با تلاش قهرمانانه‌ی رفقای فدائی شهید را گرامی دارم.

گرد آمده‌ام تا خاطره رفقای رازنده کنیم که در سالهای سیاه گذشته مظهر اراده انقلابی و تلاش خستگی ناپذیر خلقهای ستمدیده میهن بودند.

آمده‌ام تا از رفقای یاد کنیم که آشتی ناپذیری و شهامنت انقلابیشان، همه انقلابیون و مبارزین راه آزادی را توان می‌بخشد و راه سر رهائی کارگران و زحمتکشان را ترسیم می‌نماید.

هشت تیر، یاد فدائیان شهید:

حمید اشرف، محمد حسین جفتواز، یوسف قانع، طاهره خیرم غلامرضا لایق مهربانی، فاطمه حسینی، محمد رضا بیری، غلامعلی خراط پور، سنی اکبر وزیری، محمود عظیمی بلوریان، مارتیک قازاریان بدالله زارع کاریزی، تزئین السادات روحی آهنگران، محمد مهدی فوقانی، گلرخ مهدوی، نادعلی پورنعمه، ابراهیم خیری، نسترن آل اقا، مریم شاهی، عبدالله سعیدی بیدختی، احمد خرم آبادی، کاظم سلاحی، حسین موسی دوست، عسکر حسینی، بهزاد امیری دوان حمید آریان، نادره احمد هاشمی، علی رحیمی علی آبادی، افسر السادات حسینی، سیمین توکلی، حمیدرضا هزارخانی، کاظم غبراشی و حمیدزبان کرمانی، گرامی سادات.

خلق مبارز قهرمان ایران طی سالهای طولانی حاکمیت ارتجاع و امپریالیسم، بخاطر ایجاد ایرانی آزاد، دموکراتیک دست به مبارزه‌ی خستگی ناپذیر زده و در این راه حماسه‌ها ساخته و شهیدای بسیار داده است. با همه آن تلاشها و شهیدای برای ما گرامیست و ما همیشه خود را بنامش ادامه دهنده آن تلاشها و سنت‌های انقلابی دانسته ایم.

شهیدای انقلاب، آنها که صداقت را با خون سرخ خویش معنی کردند، به تمام خلق و انقلابیون راستین تعلق دارند و تمام کسانی که می‌خواهند نسبت به انقلاب وفادار بمانند، از آنها می‌آموزند.

می‌آموزند: تسکین‌کننده‌ی انقلابی باقی خواهند ماند که با آگاهی نسبت به منافع کارگران و زحمتکشان، حاضر باشند جان خود را در راه آرمان انقلابی خویش فدا کنند و ما امروز با در فراقی را گرامی می‌داریم که فدائی بودند و فدائی وارد راه آرمان طبقه کارگر جان باختند.

اکنون قیام دلاورانه خلقهای ستمدیده ایران رژیم سیاه دیکتاتوری را به گور سپرده و امپریالیسم را ریساری مواضع گذشته اش و ادار به عقب نشینی نموده است. در تاریخ مبارزات آزادی بخش مردم ما قیام میهن که به سقوط رژیم ضد خلقی شاه انجامید، نقطه عطفی بسیار مهم به شمار می‌رود که در نتیجه آن دوره جدیدی از انقلاب رهائی بخش مردم آغاز می‌شود و از ویژگی‌های دیگری برخوردار است. همه ما آن سالها را با خاطرمی آوریم و همه انقلابیون و مبارزینی که از آن سالها برجای مانده‌اند، یاد تلخ آن را با خود همراه دارند. سالهایی که طبقات و گروههای وابسته و سرسپرده حاکم میهن را تبدیل به گورستان انقلابیون و مبارزین نموده و می‌اندیشیدند که در مقابل زور و زر آنها و اربابان نشان قیام امری محال است و این خلق محسوس و ستمدیده محکوم است برای همیشه بندهای پوسیده بندگی را همچنان برای نسلهای آینده برجای گذارد.

سالهایی بود که وفاداری به خلق و انقلابی ماندن، رسالتی بس گران بود. چه بسیار کسانی که در این راه جان باختند و چه کسانی که در نیمه راه بازماندند و یا آنکه به خلق پشت کردند و یا آنکه وحشت و هراس خویش را از مبارزه در زیر پوششی از نظریات خود ساخته پنهان نموده و به نشخوار اندیشه‌های باطل خویش مشغول بودند.

در آن سالها چه کسانی انقلابی بودند؟ چه کسانی پرچم خونین مبارزات انقلابی مردم را بردوش کشیدند؟ چه کسانی جوهر دینت‌یابی به تئوری و عمل انقلابی را در خود پرورش دادند؟

بدون شک آنها که در سالهای سیاه گذشته از مرگ نهراسیدند و استوار و سوازش ناپذیر باقی ماندند، چنین رسالتی را بردوش کشیدند. امروز پس از آن سالها، جنبش انقلابی ما تحارب بس گران‌بناهایی به قیمت خون هزاران شهید به دست آورده، اکنون ما از دوران تحارب اولیه به دورانی گام نهاده ایم که پیشروان آن تئوری و پیرانیک چندین ساله سازمان و مجموع جنبش کمونیستی میهنمان قرارداد و آنچه را که تا دیروز به واسطه جمع محدودیت‌های تاریخی خویش از درک همه جانبه آن ناتوان بودیم می‌توانیم با عمق بیشتری نظاره کنیم و در ساراه آن دآوری نمائیم.

رفیق حمید اشرف می‌گفت: هرگز بدون تجربه و عمل و ارتکاب اشتباهات نمی‌توانستیم رشد کنیم. تاریخ تمام انقلابات نشان می‌دهد که چگونه جنبش‌ها رفت و خیز بسیار داشته‌اند و تا چه حد مرتکب اشتباهات کوچک و بزرگ شده‌اند و آسیب‌های بزرگی دیده‌اند ولی پس از روز شکست‌ها، با بهره‌گیری از تحارب و فدا آن مجدداً بر سر پیکار برخاسته‌اند.

اگر امروز تأکید می‌کنیم که ایجاد حزب طبقه کارگر یک ضرورت گریز ناپذیر برای تحقق انقلاب دموکراتیک خلق است، و واقعاً بدون تشکیل حزب طبقه کارگر رهبری این طبقه در انقلاب تحقق نخواهد یافت و اگر امروز دریافته ایم که تأکید بر نقش محوری مبارزه مسلحانه و تعمیم آن در تمام طول پروسه انقلاب، تأکیدی در جهت تشکیل حزب طبقه کارگر نیست.

اگر امروز دریافته‌ایم که حل مفهوم طبقه کارگر در توده‌های بیکی‌گرفتن مفهوم طبقه و خلق و تأکید بر بسیج بلاواسطه تمام خلق، بدون در نظر گرفتن نقش رهبری طبقه کارگر در جنبه خلقی انحراف از اصول است،

تحصن فارغ التحصیلان بیکار بانک

و ضد خلقی .
۵- ایجاد کارخانه در همه نقاط کشور و مخصوصا کردستان و بیکارگاردن کارگران بیکار .
۶- ایجاد مدرسه ، جاده ، لوله کشی آب و تامین برق در روستاها و فراهم نمودن امکانات رفاهی از جمله وام ، بذل ، کود ، ماشین آلات برای دهقانان و لغو کلبه دیون آنها .
۷- تشکیل هر چه سریعتر شورای شهر بعنوان تنها مرجع تصمیم گیری در امور شهر .
۸- لغو کامل سانسور از رادیو و تلویزیون و مطبوعات و آزادی فعالیت برای تمام سازمانها و گروههای سیاسی .
در این میان استاندار دو بار غیر مستقیم با متخصصین تماس گرفته و خواستار ۱۰ روز مهلت شده است که متخصصین این وعده را قبول نکرده و خواستار تماس مستقیم با استاندار و نماینده وی شده اند .
گروههای سیاسی موجود در بانه و سنگسار و رانندگان و همچنین امام جمعه از این تحصن اعلام پشتیبانی نموده اند .

فارغ التحصیلان بیکار شهرستان بانه با انتشار قطعنامه ای ضمن اعلام پشتیبانی از تحصن بیکاران درسراسر ایران ، پشتیبانی از تحصن خانواده ها که بعنوان اعتراض به دستگیری حماد شیبانی از اعضای سازمان صورت گرفته بود همچنین برای اعتراض نسبت به بیماران مناطق مرزی کردنشین توسط دولت نسبت به توطئه های عوامل وابسته به رژیم سابق تحت عنوان عوامفریبانه اتحاد به عنانبره و تأیید دولت از کفر اسر ضد خلقی سندج ارتاریخ ۲۱ خرداد بعلت بی اعتنائی نسبت به خواسته های خود در فرمانداری بانه تحصن شده و اعلام کرده اند که در صورت ادامه بی اعتنائی ، تحصن خود را به سایر ادارات منتقل خواهند کرد .
خواسته های متخصصین عبارتند از :
۱- به کارگاردن فارغ التحصیلان بیکار .
۲- پرداخت حقوق ایام بیکاری و ایجاد بیمه بیکاری تا تحقق خواسته ها .
۳- رعایت حق تقدم افراد بومی در استخدام .
۴- تصفیه ادارات از عناصر مرتجع

بیکاری

همچنان مشکل بزرگ جامعه است

این کانون در تاریخ ۲۶/۳/۵۸ اعلامیه ای صادر کرده و به تبلیغات سوء عناصری اشاره کرده که چون خودشان بدلیل وابستگی شان به سرمایه داران و ارتجاع زندگی شان تا من است و مشکلی به نام بیکاری ندارند و کانون را مانعی در جهت تحصن فعالتهای کانون کارکنانی می کنند .
سندج - در حدود ۱۰۰ نفر از فارغ التحصیلان سندج در تاریخ ۲۶/۳/۵۸ برای اعراض به بیکاری در جیبهای شهر راهپیمایی کرده در حله استاندار جمع می شوند . بعد از خواندن قطعنامه و گفتگو با معلمان و استادان تاریخ ۲۳/۳/۵۸ برای رسیدگی به خواسته های مهلت تعیین می کنند و بعد از راهپیمایی مجددا در میدان آزادی منقر می شوند .

از آنجاییکه دولت موقت بنا به ماهیت طبقاتی خود و در نظر گرفتن منافع سرمایه داران وابسته بطور جدی در جهت حل مشکل بیکاری قدم بر نمی دارد ، عده زیادی از کارگران و زحمتکشان به دلیل بیکاری برای تامین معاش خود و خانواده با مشکلات زیادی مواجه هستند
اراک - فارغ التحصیلان بیکار اراک در تاریخ ۲۶/۳/۵۸ در یک گرد همایی به دعوت کانون تحصیل کرده های بیکار شرکت کرده و قطعنامه ای صادر و خواسته های شان در مورد تامین کار و ایجاد واحدهای فنی و آموزشی رفع نفع در امور استخدامی و ... صادر کردند .
میان دو آب - کانون فارغ التحصیلان بیکار میان دو آب در یک گرد همایی در تاریخ ۲۲/۳/۵۸ با هدف حل مشکلات کارایی و جلوگیری از تبعیض شکل شده است و مورد تأیید فرمانداری هم فرار گرفته است .

دانشجویان دانشکده هنرهای زیبا

تالار دانشکده را به نام فدائی شهید فرامرز شریفی نامگذاری کردند

روز سه شنبه ۲۹ خرداد دانشجویان دانشکده هنرهای زیبا به مناسبت پایان سالی که در انقلاب گذشت "مراسمی برای گرامی داشت یاد فرامرز شریفی فدائی شهید در دانشکده هنرهای زیبا برپا کردند" (رفیق فرامرز در یک درگیری در سال ۱۳۵۱ در کنار رفقای هم رزمش

مهدی فضیلت کلام ، فرخ سپهری به شهادت رسید) در این مراسم پس از سخنرانی یکی از دانشجویان رفیق پددر (عباس فضیلت کلام) پدر فدائی شهید مهدی فضیلت کلام و شیرین وانوشه و خانم سپهری خواهر چهار فدائی شهید و همچنین خانم شریفی مادر فرامرز

سخنرانی کردند .
خانم شریفی در سخنان خود به بازداشت چریک فدائی حماد شیبانی شدیداً اعتراض کرد .
در پایان تالار دانشکده هنرهای زیبا به نام فرامرز شریفی نامگذاری شد .

نامه يك دانش آموز ملایری

اگر کسی خواست حق خود را بگیرد ضد انقلاب است؟

ندارد ، و اهمیتی نیز ندارد . اگر پیش از این در امور بی نظمی کنید ، هر چه دیدید از چشم خودتان دیدید اما کارگران زیر بار حرف زور نرفتند و در حالیکه فریاد می زدند و شعار جمالی اخراج باید گرد می دادند (جمالی در سال گذشته رئیس امور مالی در شهرداری ملایر بوده) به طرف محل کار جمالی رفته و او را از محل دفتر خود بیرون کشیده و موفق شدند یک هفته مهلت برای اجرای خواسته های خود که یکی همیسن اخراج آقای جمالی رئیس حسابداری ، پرداخت ۲۵۰۰ تومانی که بر اساس بخشنامه جدید باید پرداخت گردد ، برخورداری کلیه مزایا و حقوق بیمه و بازنشستی ، کار در بیرون ، فضای سبز و پشتیبانی از حقوق و آزادی کارگران با ایجاد محیطی کاملا دموکراتیک ، انتخاب نماینده واقعی و تعیین انجمنهای کارگری در ملایر بگیرند .
ولی لازم است یاد آوری کنم قبل از اینکه کارگران موفق به گرفتن مهلت برای انجام خواسته های خود شوند رئیس شهرداری به کمیته محل خیر داده بود که جمعی ضد انقلاب و ار خدایی حیر در امور شهرداری بی نظمی به وجود آورده اند و بلافاصله یک عده ماوریه داخل کارگران ریخته و از آنها می خواستند که محل را ترک کنند . اینجا یک سؤال برای من پیش می آید . آیا اگر کسی خواست حق خود را بگیرد اخراج و با ضد انقلاب است ؟

بعد از سلام و آرزوی موفقیت در کار و هدف خود ، من دانش آموز سال اول دبیرستان هفده شهریور ملایر هستم . من با آشنائی اوضاع زندگی کارگران و زحمتکشان شهرمان به یک حقیقت مهم ، آگاه شدم شاید خیلی دیر ولی به هر حال دانستم که این تمامی انقلابی نبود که می خواستیم و خلاصه به این نتیجه رسیدیم که تا وقتی که جامعه طبقاتی وجود داشته باشد ، انقلاب نیز هست .
مثلا دپروز یعنی شنبه ۱۳ خرداد جمعی از کارگران مبارز بخش شهرداری ملایر (تقریبا ۲۰۰ بنا) به خواسته های خود که دارند در سالن شهرداری اجتماع کرده و خواستار رسیدگی به وضعیتان شدند . این تحصن در ساعت ۱۰ صبح شکل بهتری به خود گرفت و رئیس شهرداری را مجبور به گفتگو با کارگران زحمتکش در زمینه خواسته های به حق خود کرد . ولی باز مثل همیشه و همانند سابق بعد از کمی کلنجار رفتن با کارگران ، حاشیه رفتن ، از کارگران خواستند که صبر انقلابی داشته باشند و برآستی این کلمه مدروز مسخره ترین و مضحکترین کلمات سخنوران است . سرانجام وقتی رئیس شهرداری بنا با فشاری کارگران روبرو می شود از میدان بدر رفته و کارها را بدست فرماندار ملایر آقای روشن صمیر (فرماندار به اصطلاح انتخابی مردم می سپارد) . ایشان نیز کارگران شهرداری را تهدید به اخراج کرده و می گویند در حدود دو بیست کارگر بیکار داریم و در حقیقت کار شما برای ما ارزشی

کارآموزان کانون کارآموزی مهاباد چه می خواهند

کانون کارآموزی مهاباد با ظرفیت ۳۰۰ کارآموز که در آن ۵۰ نفر کارآموز در رشته های مختلف تولیدی از قبیل فالی بافی ، نجاری ، جوشکاری ، خیاطی ، ... اشتغال دارند و تحت عنوان "آموزش" درآمد کلانی به جیب دولت سرازیر می کنند ولی از تولید خود هیچگونه بهره ای نداشته و حتی قادر به رفع نیازهای ابتدائی خود نمی باشند .
کارآموزان هنوز هم با وجود سرنگونی رژیم شاه خاش مثل سابق تحت شرایط انضباط سخت و فشار قرار دارند . این کارآموزان برای رسیدن به خواسته های در جهت اصلاح وضعیت کانون از تاریخ پانزدهم خرداد دست به تحصن زدند .
کارآموزان بدینال این تحصن بیکاری امتیازات جزئی گرفتند . ولی به خواست اصلیشان یعنی پرداخت حقوق ماهیانه هنوز حواب قطعی داده نشده است . آنها برای مطرح کردن خواسته های برحق خود با معامات مسئولان استان ، دو نعره مانده انتخاب کرده و به ارومیه فرستادند . کارآموزان می گویند :
" اگر جواب مثبت به خواسته اصلی ما داده نشود اعتصاب خود را ادامه خواهیم داد . چون اس حق مسلم ما ، کانون علاوه بر درآمد ناشی از تولید ما بودجه هنگفتی دارد . با باید حقوق ماهیانه ما در بودجه منظور گردد با درآمد تولید در اختیار خودمان گذاشته شود .

برای روستائی در روستا هیچ امکانی وجود ندارد

کند ، نمی تواند چون هنوز آن امکان را ندارد که بتواند شرکت کند من که این را می نویسم می خواستم در جشن روز کارگر شرکت کنم ولی نتوانستم .
... دولت انقلابی دولتی است که سانسور را برین سیرد حقیقت را بگوید ، درد مردم را بگوید ، بعد از انقلاب برای افراد محروم جامعه وضع همانطور است ، بجای آنکه بهتر شود ، آبا روزی فرا خواهد رسید که تفاوت بین مردم شهری و روستا دیگر امکان پذیر نباشد ؟

نامه ای تحت عنوان بالا را که از طرف یک دانش آموز روستائی در کردستان غرب مطرح شده ، که گوشه هایی از آنرا بجا می رسانیم .
... یک روستائی خیلی در دارد که با حرف ردن دوا نمی شود ، یک روستائی که وضع مادی خوب نماند نمی تواند چنان را غرض مدرسه ... یک روستائی که می خواهد در یک سخنرانی با یک بحث با در خطاهای و راهپیمایی با در جشنهای کارگری شرکت

بینائی يك کارگر در خطر است

عدم وجود شرایط سالم و بهداشتی و ناامنی محیط کار که ناشی از حرص و طمع سرمایه داران برای بدست آوردن سود هر چه بیشتر است تا کانون خسارات جانی زیادی به کارگران وارد آورده است .
نبودن شرایط بهداشتی و ایمنی کامل در محیط کار ، گاهی فجایعی به بار می آورد که به قتل یا نقض عضو کارگران می انجامد و کارگری که به این مصیبت گرفتار می شود همچون ماشینی فرسوده و ناقص از نظر کار فرما غیر قابل استفاده می شود . هم اکنون یکی از کارگران اداره کشاورزی گنبد کاووس به علت نبودن شرایط ایمنی و تجهیزات لازم در استان بانه بنایی قرار گرفته و هیچ کس هم خود را مسئول نجات او نمی داند . " غضنفر بخشی " کارگر اداره کشاورزی هنگام کسار دچار حادثه می شود و سم به سرو صورتش می پاشد . بعد از حادثه کارگر مزبور را به بیمارستان شیروخورشیدی برند . اما

بزرگان بیمارستان او را بدون معالجه قطعی مرخص می کنند . روز بروز چشم کارگر مزبور بدتر می شود تا اینکه پسرش او را به بیمارستان فارابی تهران می آورد و در تهران بزرگان به او می گویند چون دیر شده باید برای معالجه کامل به خارج بروی .
وزیر کشاورزی در حرف قبول می کند خرج سفر و معالجه او را تامین کند ولی هیچگاه به این وعده خود عمل نمی کند . قضیه به همین جا خاتمه نمی باید بلکه حقوق این کارگر را به علت اینکه مرخصی نبوده قطع می کنند و شکایتهای مکرر به وزارت کار هم به جایی نمی رسد . بعد از انقلاب همسرا و به کمیته شکایست می کند اما کمیته چی ها هم به خواسته های او جواب رد می دهند . در حال حاضر غضنفر بخشی ، در وضع خطرناکی به سر می برد و خانواده او نیز در تنگنا و ناراحتی هستند .

خواسته های مردم افسریه و شاه آباد شرق

سبز ، کتابخانه عمومی ، سالن ورزش ، جدول و آسفالت و پل خیابانها و یک چراغ راهنمایی در تقاطع بیست متری اتوبان برای جلوگیری از تصادفات ، تلفن عمومی ، بیمارستان و زایشگاه ملی (رابگهان) مهد کودک برای زنانی که کاری کنند ، کلاسهای رایگان خیاطی (برای زنان) فروشگاه مواد غذایی ، اتوبوس شرکت واحد از شاه آباد تا خیابان پیروزی (فرج آباد سابق) نصب و تعمیر چراغ خیابانها .

" ما مردم افسریه و شاه آباد شرق مبارزه کرده ایم که نه فقط نام " خارج از محدوده " تغییر کند بلکه بخاطر این بوده هست که از رفاه اجتماعی و آسایش برخوردار گردیم .
خواسته های اساسی و فعلی ما عبارت است از حل احتیاجات و خواسته های عملی و به حق مردم افسریه و شاه آباد شرق .
تامین آب ، برق ، رختشویخانه ، کلاسهای بیکار بانی سواد ، پارک و ایجاد فضای

عده ای از مردم شاه آباد شرق در نامه سرگشاده ای که به دولت مهندس مهدی بازرگان نوشته اند ضمن تاکید بر حفظ دستاوردهای انقلاب و اشاره به وضعیت گذشته خود و اجحافات و دستمهای که از جانب رژیم سابق و بوسیله عناصر ارتجاعی به استناد قانون ضد مردمی " خارج از محدوده " به آنها شده خواسته های را مطرح کرده اند . آنها بعد از ذکر مبارزاتشان در راه گرفتن حقوق اهالی مخصوصا حمله شان به ساختمان شهرداری در سال ۵۶ و ۵۷ نوشته اند :

اظهارات یک روستائی که در واقعه روستای سیلاب دستگیر و شکنجه شده است

یکی از روستائیان سیلاب که پس از گذر از روزهای آزار کبودی های ناشی از شکنجه در نقاط مختلف بدنش باقی مانده است، جریان دستگیری خود را چنین تعریف می کند:

صبح روز حادثه (۵۸/۳/۱۲) ما در قهوه خانه نشسته بودیم که خبر آوردند محاهدین گمنام شاهپور، شوریکرا اشغال کرده اند. نم ساعت بعد خبر آوردند که محاهدین از شوریک طرف سیلاب حرکت کرده اند. و بعد گفتند که محاهدین وارد سیلاب شده اند. ما هنوز در قهوه خانه بودیم که سخن گفتند سائیرون. و منشی سائیرون آمدیم مراد دستگیر کرده به قهوه خانه دیگری که حلو مسجد بود بردند. وقتی وارد قهوه خانه شدیم، از دیدن یک سرهنگ یک سرگرد، یک سروان (سروان قدسی) فرمانده گروهان شاهپور، ۳ نفر از ملاهای خوی و تعدادی محاهد خوی تعجب کردم. در مدت کوتاهی که مراد در آن قهوه خانه نگهدارنده بودیم ۹ نفر دیگر را دستگیر کرده و آنجا آوردند. بعد ما را سوار وانت سار کردند و همراه دو مانع اسکور بر فراز افرات ملحق یکی درشت و دیگری در حلو، به سلماس، به شهرتانی بردند. محکم ورود به شهرتانی مارا به با دفینشایی رنگ گرفتند. ده دقیقه ای از آوردن ما

سپل زدگان تبریز:

دولت و مسئولین امور...

از دست رفته شان بی تابانه می گویندند. به از حضور ارتش و استانداری و شیر و حورشید و شهرداری و سایر عوامل کمک دهنده دولتی در کمک به مردم مصیبت زده اثری پیدا نکرد. برای

فرمانده پادگان در جواب اعتراض یک سرباز نسبت به دادن گزارش دروغ از کمک ارتش گفت: "به خدام گزارش ندادم"

نمونه سربازی می گفت: "من نگهبان جلودر بودم ولی تا ساعتی هیچ کامیونی برای کمک از پادگان خارج نشد. پیش فرمانده رفته و گفتم کدام کامیون و کد ام گروه امداد ارتش به باری سیل زده گان رفته است؟ چرا گزارش دروغ می دهید؟ شما دروغ نان بقیه مردم را که صمیمانه می خواهند کمک کنند فریب می دهید مردم خیال می کنند که ارتش همکارها را انجام می دهد در نتیجه کمی خیالشان راحت می شود در حالیکه سیل زده گان همچنان بار سختی سیل را تنهاده و در می کشند."

می گفتند: "باید گلوی این بی شرفها را گرفت و ول نکرد، چرا ما را فریب می دهند؟ آنها فقط سه سرباز فرستادند که آمدند، اسم خانه هارا نوشتند و رفتند. آنها اینکار هیچ مشکلی از ما راجل کرد؟ رئیس کمیته مارالان همان کسی است که این خانه را به ما فروخته و فقط موقعی به طرف ما می آید که نفعی در کار باشد. در احمد آباد کارگری که خانه اش ویران شده بود می گفت: "ما اصلا از کمیته ها امید کم کردیم. رفتیم گمنام، ملائی که آن بالا نشسته بود گفت: پول نداریم. بیس این همه پول نقد کجای می رود؟ اینها همه حقایق است از زبان اهالی تبریز که به خوبی نشان می دهد دولت و کمیته ها برخلاف تبلیغات وسیع و عوام فریبانه ای که به راه انداخته اند هیچگونه کمک موثری به سیل زدگان نکرده اند. در مقابل این بی توجهی مقامات مسئول از همان نخستین ساعات حادثه کمیته امداد پیشگام تبریز متشکل از دانش آموزان و دانشجویان و معلمان برای انتقال محرومین به بیمارستان، ایجاد کانال جمع آوری و سایر به مناطق سیل زده شتافتند و با ایجاد و تکمیل کمیته های فوری امداد در مناطق کوناگون مثل بهمین آباد، منبع و مارالان کمکهای را که از جانب مردم سرازیر شده بود بلافاصله به سیل زدگان می رساندند."

قدرت شوراها...

عوامل زمینداران ایفا کند. بر طرف کردن روحیه فردی در بین روستائیان از طریق تشویق و ترغیب روستائیان به انجام کارهای جمعی (ساخت مدرسه، پل، حمام و غیره) که برای استفاده همه اهالی است و تشکیل اجتماعات عمومی در روستا و بحث و گفتگو طرح پاره ای از تجربیات سایر شوراها و ناطق مشیت و منفی آن و بررسی وقایع و اخبار جاری در زمین، نقش مهمی را در بر طرف کردن جنبه روحیه ای خواهد داشت. لازم به تذکر است که رسیدگی به امور جاری روستا تنها از عهده اعضاء شورا بر نمی آید. بلکه کمک و وسایلی افرادی که می بایست در کنار شورا مسئولیتها را بر عهده بگیرند، متراشد برای حل مسائل ضروری باشد.

روستائیان بی زمین روستای کلانتر خواستار تقسیم زمین های مالکین هستند

بجنورد - ۵۸ خانوار از روستای کلانتر از بخش بانه در ماهی ای که به عنوان رئیس دولت نوشته اند ضمن تشریح وضع و مشکلاتشان در مورد داشتن زمین و کتار در باغ به گفته یکی از وررا که گفته است به روستاها برگردند و کشاورزی کنند

"آقای وزیر، اینان که در شهر کار می کنند نیروهای فعال کشاورزی هستند اما متأسفانه آنان در روستاها کسب معاش زمین هم ندارند و اینک ما روستائیان ارجحاً با عالی شتوال داریم تحت چه روابط و صوابتی به روستاها برگشته و فعالیت کشاورزی داشته باشیم. آیا زمین در اختیار ما قرار خواهد گرفت یا دوباره به دست استعمارگران میسرود می شویم ناز ما کارکنند..."

در انتهای نامه خواستهای زیر را مطرح کرده و نوشته اند: "بایکه به ماروستائیان به دلیل مطرح کردن خواستهایمان برجسب کمونیستی می زنند، ما بنه ما آنها را مطرح می کنیم: ۱- تهیه کردن زمین برای کشاورزی ۲- آت آمادنی. ۳- حمام. ۴- بهداری. ۵- زدن چاه برای آبیاری. ۶- برق منطقه. ۷- راه سازی بابل. در زیر نامه امضاء و اثر انگشت بنیاز نصت غریبه اضافه اسمی ۶ نفر از مالکین روستا ماقدار زمینهایشان آورده شده است."

ماهان - اهالی روستای سه کنج خواستار جرفه عمیق برای زمینهای مزروعی خود شده اند. در حال حاضر زمین های این روستا هر ۱۲ روز تنها ۲۴ ساعت از آب چشمه ای مشروب می شوند که قسمت اعظم آب آن صرف آبیاری زمینهای خود ماهان می شود. روستائیان سه کنج علاوه بر این، خواهان پرداخت وام طویل المدت بدون بهره و تأمین برق روستا شده اند.

سنندج - روستائیان الکوصارم - آباد در قطنامه خود ضمن اشاره به دستاوردهای انقلاب و روح آزاد بخواهی مردم زحمتکش، خواهان محاکمه والی خان سنندجی، ظالم خونخوار و طرفدار رژیم فاسد پهلوی و همچنین تحویل درآمددهای زمینهای خود که والی خان غصب کرده، از بعد از اصلاحات ارضی تاکنون شده اند. روستائیان همچنین خواستار از نو ساخته شدن آبادیهای مازم آباد و سید اسماعیل که به وسیله همین فئودال ویران گردیده شده اند و از دولت خواسته اند برای جلوگیری از بروز حوادث ناگوار به والی خان اجازه بازگشت به روستای الک راندهد.

اخطار شورای روستای باغچه بهی

بوکان - روز دوشنبه ۲۸ خرداد چند نفر از فئودال زاده های بوکان از خانواده ادھی برای تفریح به روستای باغچه بهی می آیند و با سلاح گری خود شروع به تیراندازی می کنند. این عمل توطئه میزبان مخالفت تعدادی از اهالی روستا و بر روی می شود اما خان زاده های عیاش ادھی آنان را تهدید به حملات بعدی می کنند که در این حال روستائیان اخطار می کنند در صورت تکرار چنین تحریکاتی به مقابله با آنان خواهیم پرداخت. عده ای به اسامی زیر از طرف اعضای شورای روستای باغچه بهی نامه ای به اهالی اطلاعیه خود را منتشر می کنند. علی حیدری نیا - ابوبکر مجاوری - عبدالله رحیمی - حسن سهرابی - عمر بابلی - اسماعیل سهرابی - ابراهیم رحیمی - حسن مصطفی زاده - رحمان بابلی باغچه.

روستائیان زحمتکش و محروم ما در ماههای اخیر با تجاوزات بی شمار فئودالها و مالکان متجاوز و غارتگر روبرو بوده اند. روستائیان و نیروهای انقلابی بارها و بارها طی هشدارهایی وجود خطرات بیشمار را در مناطق روستایی گوشزد کرده اند. اما همیشه بابتی توجهی و لاقیدی مقامات مسئول مواج شده اند بدیهی است که چنانچه دولت بطور جدی با تحریکات عوامل شاخته شده ای در روستاها از جمله در کردستان برخورد جدی ننماید عواقب زاینبار ناشی از تجاوزات و جنایات فئودالها و عوامل مرتجع نظیر قیامه موقتها و بارزانی ها و پالیزبانها را با کشاورزان و زحمتکشان روستا در کردستان متوجه خود خواهد کرد.

با اتحاد و همبستگی کشاورزان زمین های خود را از آزار باب پس گرفتند

اهالی روستاهای بالا سالدورکلا و پائین سالدورکلا و قهرینه کساکلا (در اطراف قائم شهر) پس از تشکیل جلسه و بحث های زیاد، روز پنجشنبه ۵۸/۲/۲۷ تصمیم به تصرف ۱۰۲ هکتار از زمینهای خود که در زمان رژیم ضد مردمی پهلوی به زور و وسیله برادران عبدالهی از مشهورترین رباخواران بابل غصب شده بود گرفتند. بعد از تصرف زمینها تصمیم می گیرند آنها را بطور جمعی کشت کنند و عواید امالش را هم بین خود (افراد بی زمین و کم زمین) تقسیم کنند. در روستای موسی کلاهم که در نزدیکی روستاهای فوق قرار دارد تحت تاثیر این حرکت تصمیم به تقسیم زمین همین اربابان درده خود می گیرند. اما عمال عبدالهی پیش دستی کرده و خواستند خودشان زمینها را بین اهالی تقسیم کنند تا بتوانند قسمت زیادی از زمینهای اربابان را حفظ کنند. این عده برای مردم فاش شد. روستائیان روز بعد زمین ها را تصرف کردند. باین حرکت روستائیان کدخدای مزدور این ده دست به اجیر کردن چند جمادقار و آتش زدن خانه یکی از روستائیان زد. کشاورزان خوشگین از این توطئه سارن و بجه خود به دادگستری قائم شهر رفته و به این امر اعتراض می کنند و از دولت می خواهند که دست این خاها را از روستاها کوتاه کند.

بیداری کشاورزان در اتحاد آنهاست

فروغ در تاریخ ۱۶ خرداد ماه روستائیان آوانگان طی نامه ای خواهشهای خود را از دولت اعلام داشته و اخطار کرده اند تا حاصبه حواصه های برخی آبان حواصه داده شود در اسناداری کردسان محصم شده و تا موافقت مسئولین در انجام حقوق باعالم شده بان همچنان به تلاش خود ادامه خواهد داد.

خواستهای عمده کشاورزان و سایر زحمتکشان محروم و ستمدده روستای آوانگان بدین شرح است: ۱- رسیدگی کامل به احصای ساحه سده ای که تا عمل اصلی فاحصه حساب کارانه فروه بوده اند که محر به منسل ۱۸ نفر کرد و دوربری متحد جامع کرده ها گردند. ۲- اصلاحات ارضی واقعی برای دهفان بی زمین. ۳- تأمین برق روستا از محل نامس اعساری که فلا صورت شده. ۴- دادن وام بدون بهره به کشاورزان و لغو اخاره فئودالهایی که از کشاورزان می گیرند.

حضور وسیع قیاده موقت در مناطق مرزی کردستان

اخیراً افراد زیادی از قیاده موقت به منطقه برانتهروا نوشته آمده و در روستاهای اطراف بحث شده اند. اس افراد گویا از عراق و سوریه آمده اند و باع اس که ععداد بازمه بیشتر (حصمما ۲۰۰۰ نفر میهای رن و بجه هایشان به ایران خواهند آمد. در روستای درب که نزدیک کارخانه سد حدوده ۸ نفر از اس افراد هستند. روستائیان می گویند هر چه از اینها سوال می کنیم از کجا آمده اند جواب درستی نمی دهند. فادهای هابه خانه های روستائیان می روید و روستائیان می گویند وضع زندگی ما بطوریست که هم خرج بسیار داریم و هم نمیتوانیم خودمان را اداره کنیم. یکی از کارگران قند برانتهروا می گفت: در حالی که دولت صندوق گدائی برای خانه سازی بدست گرفته، چططور اسهاریه ایران می آورد و در حوضان نامی دهد؟ شاع است که عده زیادی از همس فاده ای هادر کوههای اطراف برانتهروا در بر دگی مرر مستقر هستند.

کلیه بدهی ها و تعهدات مالی کارگران، دهقانان و زحمتکشان به بانکها و مؤسسات دولتی باید لغو شود

تشکیل اتحادیه دهقانان

گام دیگری است در جهت وحدت روستائیان

تشکیل شوراهای دهقانی در روستاهای کشور، گام مهمی است در جهت اتحاد و همبستگی روستائیان برای احقاق حقوق خود و مقابله با مفاوحت در برابر عاصبین و متجاوزین. اکنون این سوراها در بسیاری از نقاط ایران تشکیل شده است. اما قدم مهم بعدی برای اتحاد بهتر و وسیع تر و کسب موفقیت‌های بیشتر و مطمئن تر، تشکیل اتحادیه‌های دهقانی است. این اتحادیه‌ها که خود را به هم پیوستن چند شورا به وجود می‌آید، برای انجام خواسته‌های مشترک روستائیان و شرکت آنان در تعیین سرنوشت خود و مقابله با تجاوز مالکین و غاصبین و احقاق حقوق آنان، از توانایی بیشتری برخوردار خواهد بود. مادرا به شرح تشکیل یک اتحادیه دهقانی را در منطقه ای از کردستان و کوشش دهقانان و خوش‌نشینان منطقه دیگری از همین استان را جهت تشکیل چنین اتحادیه‌ای می‌آوریم.

سوکان - اهالی روستای "جامی‌کند" ۱۸ روستای دیگر واقع در غرب بوکان، روز ۱۶ خرداد ماه طی اجتماع باشکوهی در همین روستا، اتحادیه دهقانی جامی کند (روستاهای اطراف آن) را تشکیل دادند. در این اجتماع حدود ۵۰ نفر شرکت داشتند که اکثر آنها نمایندگان از طرف روستائیان آمده بودند.

البته تشکیل این اتحادیه بدون مشکلات انجام نگرفت. روز پنجشنبه ۱۵ خرداد ماه که چند تن از اهالی روستای جامی کند به روستای "سه درآباد" می‌روند و در مسجد، مسئله تشکیل یک اتحادیه دهقانی بین روستای آن منطقه را مطرح می‌کنند. پس از مدتی، ارباب روستا به نام جعفر آقا ایلخانی زاده مزدورانش را به مسجد می‌فرستد و با تهدید از مردم می‌خواهد که مسجد را ترک کنند و برای انجام خواستشان در مقابل مردم سنگر می‌گیرند. ارباب به مردم می‌گوید:

"شما حق ندارید بدون من تصمیم بگیرید و باید بگران مشورت کنید. کسی هم حق ندارد به ده من بیاید." این ارباب چند ماه پیش نیز از تجمع مردم در مسجد جلوگیری کرده و در مسجد راسته سود اما فرادی آن روز چند نفر از اعضا اتحادیه "اطمین" وعده‌ای هم از روستاهای اطراف، عازم "جامی‌کند" شدند تا از روستائیان پشتیبانی کرده و از درگیری جلوگیری کنند. سرانجام ارباب با مشاهده اتحاد و مقاومت روستائیان حرف‌های روز پیش خود را پس گرفت و روستائیان توانستند درباره اتحادیه خود در مسجد صحبت کنند و مردم را به جلسه روز چهارشنبه ۱۶ خرداد ۵۸ برای تشکیل اتحادیه دعوت نمایند. در طی این جلسه چند نفر سخنرانی کردند. این اجتماع که نشان دهنده آگاهی دهقانان به ضرورت اتحاد هر چه بیشتر خود در برابر فئودالها و عوامل مرتجع و اختناق، حقوق‌ازدست رفته خویش بوده با تاکید بر رهبری شیخ عزالدین حسینی رهبر مذهبی و ملی خلق کردادامه یافت و در پایان روستائیان در حالیکه سرود "کردند و زانی خواندند" به طرف در راه افتادند.

کشاورزان و خوش‌نشینان و نمایندگان شوراهای دهقانی روستاهای دربند، دالان باغچله، غیاث‌آباد، تازه آباد و زرین و پیش از سه روستای منطقه "فرا-توره" از توابع سنندج نیز در یک گردهمایی به منظور اتحاد بیشتر و نزدیکتر قطعه‌های صادر کردند که قسمتهای از آن را در زیر می‌آوریم:

"ماد دهقانان این بخش، با توجه به پیروزی مردم زحمتکش ایران... حق و وظیفه خود می‌دانیم که برای بدست آوردن حقوق خود که توسط اربابهای غارتگر منطقه و به کمک زاندارمیری و ساواک باطل شد، متحد شده و اختلافات و

در قطعه‌نامه "اخراج زحمتکشسان روستاهای اطراف ارومیه و منطقه "سارال" و دیگر مناطق و تشکیل اتحادیه‌های ارتجاعی فئودالها" محکوم شده است. روستائیان همچنین حزب بعث عراق و تجاوز هواپیماهای عراقی به مرزهای ایران در "سردشت"، "ایلام" و "خوزستان" را محکوم کرده‌اند. حق تعیین سرنوشت خود و خود مختاری کردستان به رهبری شیخ عزالدین حسینی، یکی دیگر از خواسته‌های آنان است. در پایان اضافه شده است که "شوراها و اتحادیه‌های دهقانی" به هیچ حزب و گروهی وابستگی ندارند.

سیل زدگان تبریز:

دولت و مسئولین امور برخلاف ادعایشان کمکی به ما نکردند

• در سیل تبریز از کمک ارتش و سایر عوامل دولتی خبری نبود

• کارگری در احمدآباد: رفتیم کمیته به ما گفتند پول نداریم. پس اینهمه پول نقد به کجای رود.



دره قربانی در منطقه منبع - عروسک برجاست اما از کودک خبری نیست. به چشم‌های کارگر بنگرید...

"ساری زمی و خبایان ثقه الاسلام و خبایان طالقانی تعداد بسیار زیادی از خانه‌ها را اسیر منهدم کرده و با اطراف خانه‌ها داخل آنهارا آب فرا گرفته است.

باز هم رادیو تلویزیون در گزارشات خود عوام‌فریبی کرد

برخلاف گزارشات رادیو تلویزیون که مثل همیشه با تحریف واقعات به عوام‌فریبی می‌پردازد در واقع سیل تبریز هم خبر از کمکهای ارتش و سایر نیروهای دولتی می‌دهد ولی در حالی که مردم بی‌خانمان در جستجوی عزیزان و زندگی بقیه در صفحه

شدت معترض بودند. نزدیک "سد" واحد آباد در حدود ۱۲ خانه ویران شد و آب تا ارتفاع ۱/۵ متری خانه‌های خشت و گلی این محله را فراگرفته بود. در این منطقه هم از کمک دولت اثری به چشم نمی‌خورد و مردم محل و سایر مناطق بودند که بادل و جان در کمک به آسیب دیدگان از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کردند.

در حالی "منبع" ویرانی بسیار زیاد و چندین خانه از جا کنده شده بود. که تلفات ناشی از آن چهار یا پنج نفر کودک بود. و اهالی خانه خراب این محله در مدرسه موجود در آنجا سکونت کرده‌اند. در مناطق بهمین آباد و بالاتر از آن و انتهای مارالان، همچنین در شهر آرا

بار دیگر حادثه‌های طبیعی در گوشه‌های از همین قایم آفرید و مثل همیشه خسارات اصلی آن به کارگران و زحمتکشان وارد آمد. روز سه شنبه به دنبال بارندگی شدیدی که از حدود ظهر شروع شده بود در ساعاتی از بعد از ظهر به سیلی بنیان کن تبدیل شد که در نواحی مختلف تبریز مثل عینالی، نواحی مرکزی شهر، جنوب شهرداریست فیرستان مارالان و در جاده مرند بالاتر از گشتارگاه بهمین آباد - جاری شد. در منطقه عینالی و اطراف آن حدود ۲۵ خانه کلی ویران شد و تعداد زیادی از خانه‌ها آسیب دید. بنا به گفته اهالی در این منطقه چهار نفر کشته و بیش از ۱۰ نفر زخمی شدند. اهالی این محله نسبت به عدم کمک کمیته‌ها و ارتش به

آوارگان کرد نکرده

از لاعلاجی می‌خواهند مهاجرت کنند

زندگی اسف بار مشغول هستند. در این مدت طولانی هیچگونه اقدامی در جهت برگشت آوارگان اعمال نشده، لذا چنانچه ظرف ده روز دولت موقت جمهوری اسلامی در این زمینه اقدام لازم

اخیرا نامه‌ای به امضای گروهی از آوارگان کرد نکرده به نخست وزیر فرستاده شده متن آن به شرح زیر است. "نزدیک به دوماه است که بیش از ۱۱ هزار نفر کرد نکرده با کمال مشقت سه



معمول ننمایند، ناچار از ترک تابعیت بوده و به یکی از کشورهای همجوار که پناهندگی مآر به پذیرد، عزیمت خواهیم نمود. بی توجیهی هیئت حاکمه نسبت به وضع آوارگان کرد نکرده، از همان آغاز آشکار بود. آوارگاه چندین بار طی نامه، و تلگرافهایی که به مسئولین فرستادند خواستار رسیدگی به مسئله آوارگان و کمک به بازگشتشان به خانه‌ها و کاشانه خود گشته‌اند. به این درخواستها ترتیب اثری داده نشد و فقط چندین پیش آیت الله ربانی شیرازی که بطور اخص برای رسیدگی به واقعه نکرده مسئله آوارگان به منطقه آمده بود، وارد مهاباد شد و در خانه جوانان، آوارگان را برای بازگشت به خانه و زندگیشان امیدوار ساخت ولی علاوه بر اینکه گامی عملی در این جهت برداشته نشد، مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی ایشان هم پس از بازگشتشان در شیراز روشن ساخت که برخورد نامبرده با آوارگان و کسلا با خلق کرد، همان برخورد مفرضانه‌ای است که عناصری مثل ملاحسنی و دیگران داشتند مثل بستن اتهام تجزیه طلبی به خلق کرد و اینکه کردها می‌خواستند نکرده را تصرف کنند و غیره.

اقدام آوارگان به مهاجرت، که مسلماً بدبختی‌های بیشتری برای ایشان به دنبال خواهد آورد، از همه بی توجیهی‌ها و برخوردهای مفرضانه و لاعلاجی آنان ناشی می‌شود.

کار، مسکن، آزادی